

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۸

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۱۰۱-۱۲۶

شبکه مضامین مرتبط با ولایت امام علی (ع) مبتنی بر تحلیل مضمون احادیث کتاب کفایة الاثر

محمد عترت دوست*

سید مصطفی قهاری**

چکیده

از جمله کتب حدیثی مغفول واقع شده در طول تاریخ اسلام، کتاب کفایة الاثر فی النص علی الائمه الائمتی عشر است که هم‌زمان با عصر تألیف کتب اربعه شیعه نوشته شده است. خزاز رازی که از جمله محدثان برجسته قرن چهارم هجری است، به منظور اثبات امامت و وصایت اهل بیت (ع) در این کتاب اقدام به جمع‌آوری احادیث به ترتیبی خاص نموده که نشان می‌دهد گویا مخاطبان اولیه‌اش، مخالفان مذهب شیعه اثناعشری بوده‌اند. از آنجا که برخی عالمان در طول تاریخ، احادیث این کتاب را تضعیف کرده و به آن توجه جدی نداشته‌اند، در این مقاله پژوهشی تلاش شده است به منظور اعتبارسنجی متنی و محتوایی احادیث، با استفاده از روش «تحلیل مضمون» به استخراج مضامین و مقوله‌های کلیدی احادیث این کتاب پرداخته و ضمن استخراج شبکه مضامین احادیث کتاب، مؤیدات تمامی مضامین مطرح از منابع معتبر مثل قرآن کریم و دیگر کتب حدیثی بیان شود. شبکه مضامین استخراج‌شده از تحلیل مضمونی احادیث بیانگر رابطه محوری ولایت با توحید، نبوت پیامبر، تقوای الهی، تسلیم حق بودن، ایمان و حقیقت عبادت است. مهم‌ترین مقوله‌های طبقه‌بندی شده از شبکه مضامین نیز وصایت، ولایت، امامت و وارث بودن امام علی (ع) بعد از پیامبر اکرم (ص) است. از آنجا که تأیید محتوای این کتاب نقش مهمی در اعتبارسنجی متنی و معرفی مجدد آن در جامعه اسلامی دارد، ضرورت انجام این پژوهش و کاربردی بودن آن مشخص می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، ولایت، وصایت، تحلیل مضمون، کفایة الاثر.

* استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) / Etratdoost@sru.ac.ir

** کارشناس ارشد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران / sgh.mostafa@gmail.com

۱. مقدمه و طرح مسئله

از مهم ترین وظایف پیامبران الهی، معرفی و شناخت و دعوت اقوام خود، به سوی مسیر حق و صواب بوده، چنان که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» (ابراهیم: ۴) بی شک این امر از جانب همه پیامبران صورت گرفته و هر پیامبری، خبر و وعده جانشین یا پیامبر بعد از خود را به قوم خود رسانیده است. از آنجا که مسئله نبوت با پیامبری خاتم الانبیا حضرت محمد ﷺ پایان یافته است، بر ایشان از جانب خداوند متعال ابلاغ شد که ایشان نیز همانند انبیای پیشین، اوصیا و جانشینان خود را برای قوم خود معرفی کرده و مردم را به سوی آن‌ها دعوت کند. ولایت و وصایت امیرالمؤمنین ﷺ راهی است از جانب خدا که برای هدایت انسان‌ها معرفی شده و وظیفه پیامبر اسلام ﷺ این بوده که انسان‌ها را به پیروی از امیرالمؤمنین و امامان بعد از او دعوت کند تا همگان راه حقیقی شناخت اسلام و فهم قرآن و سنت پیامبر را بشناسند و از آن‌ها پیروی و تبعیت کنند و به معرفت حقیقی نسبت به خداوند برسند.

امام صادق ﷺ در این زمینه، در حدیثی نورانی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْضَحَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ عَنْ دِينِهِ وَأَبْلَجَ بِهِمْ عَنْ سَبِيلِ مَنْهَاجِهِ وَفَتَحَ لَهُمْ عَنْ بَاطِنِ يَنَابِيعِ عِلْمِهِ فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدًا وَاجِبَ حَقِّ إِمَامِهِ وَجَدَ طَعْمَ خَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ وَعِلْمَ فَضْلِ طَلَاوَةِ إِسْلَامِهِ إِنَّ اللَّهَ نَصَبَ الْإِمَامَ عِلْمًا لِخَلْقِهِ وَجَعَلَهُ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ طَاعَتِهِ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَاجَ الْوَقَارِ وَغَشَّاهُ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ يَمُدُّ بِسَبَبِ مِنَ السَّمَاءِ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ مَوَادُّهُ وَلَا يَنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِجِهَةِ أَسْبَابِهِ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ الْأَعْمَالَ لِلْعِبَادِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ فَهُوَ عَالِمٌ بِمَا يَرِدُ عَلَيْهِ مِنْ مُشْكَلَاتِ الْوَحْيِ وَمُعَمَّيَاتِ السُّنَنِ وَمُشْتَبِهَاتِ الْفِتَنِ ...» (حکیمی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۳۰۶)

خدای عزوجل به وسیله امامان راهنما از خاندان پیامبر ﷺ دین خود را روشن کرد و راه راست خود را به وسیله ایشان آشکار ساخت و به دست ایشان راه رسیدن به سرچشمه‌های دانش خود را گشود؛ پس هرکس از امت محمد ﷺ حق امام خود را چنان که واجب است بشناسد، مزه شیرین ایمان را خواهد چشید و از برتری لطف و

زیبایی اسلام آگاه خواهد شد؛ زیرا خدای متعال امام را همچون نشانه و پرچمی برای آفریدگان خود برافراشته، او را حجتی برای روزی خواران جهان قرار داده، افسر وقار بر سر او نهاده و به نور جبروت الهی او را پوشانیده است. امام با آسمان ارتباط دارد و فیوضات آسمانی از وی بریده نمی‌شود؛ و جز به واسطه امام به آنچه نزد خداست دسترس نیست، و خدا اعمال بندگان را جز با معرفت امام نمی‌پذیرد؛ این است که امام آگاه است از مسائل نامعلوم و سنت‌های پیچیده و فتنه‌های شبهه‌آفرین.

با توجه به اهمیت مسئله ولایت و وصایت امام علی (ع) و چگونگی بیان آن از طرف پیامبر اکرم (ص) ضرورت دارد که احادیث آن حضرت درباره اهل بیت (ع) به‌ویژه امام علی (ع) بازبینی شود و با روش‌های مختلف تحقیق میان‌رشته‌ای و متن‌محور، مجدد، این احادیث مورد بررسی قرار گیرد. بی‌شک ضرورت استفاده از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و جدید بدین علت است که می‌توان از نتایج و یافته‌های تحقیق به‌گونه‌ای مستند و مستدل دفاع نموده و جایگاه و مقام اهل بیت (ع) را به‌گونه‌ای صحیح و خوب به جامعه علمی کشور معرفی کرد.

۲. معرفی کتاب و مؤلف آن

در این پژوهش به‌صورت مطالعه موردی، احادیث کتاب *کفایة الاثر فی النص علی الائمة اثنی عشر* به‌عنوان یکی از منابع حدیثی متقدم شیعه که به‌صورت تخصصی احادیث مرتبط با مسئله ولایت و وصایت اهل بیت (ع) را جمع‌آوری کرده، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. ابوالقاسم علی بن محمد بن علی الخزاز الرازی که به خزاز قمی نیز مشهور است، از عالمان شیعه زیسته در نیمه دوم قرن چهارم است که از شیخ صدوق و ابومفضل شیبانی نقل روایت کرده و هم‌عصر با ایشان بوده است. شیخ طوسی در *الفهرست*، ایشان را اهل ری معرفی می‌کند که در همان منطقه نیز از دنیا رفته است: «علی الخزاز الرازی متکلم جلیل له کتب فی الکلام و له انس بالفقه و کان مقيما بالرّی و بها مات.» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹۰)

از اسانید روایاتی که در کتاب *کفایة الاثر ذکر شده است*، می‌توان دریافت که ایشان

شاگرد افرادی بوده که بیشتر آن‌ها از فقها و بزرگان شیعه به شمار می‌آمدند. خزاز رازی یکی از افرادی است که علمای رجال به توافق، از او به‌عنوان شخصی ثقه و مورد اعتماد تعبیر کرده‌اند. برای نمونه شیخ طوسی در *رجال* و فهرست از او به‌عنوان متکلم جلیل نام برده است: «علی أحمد بن علی الخزاز، نزیل الری، یکنی أبا الحسن، متکلم جلیل» (همو، ۱۳۷۳ش، ص ۴۳۰) و «علی الخزاز الرازی متکلم جلیل له کتب فی الکلام و له أنس بالفقه و کان مقیما بالرّی و بها مات.» (همو، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹۰) نجاشی او را ثقه و فقیهی مشهور و مورد توجه معرفی کرده است: «علی بن محمد بن علی الخزاز ثقة من أصحابنا، أبو القاسم و کان فقیها وجها له کتاب الايضاح فی أصول الدین علی مذهب أهل البيت (علیه السلام)» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۸)

همچنین شایان ذکر است که بسیاری از علمای شیعه در طول تاریخ، در آثار خود از کتاب *کفایة الاثر* نقل روایت کرده‌اند؛ مانند ابن شهر آشوب که در کتاب *المناقب* خود، بعد از نقل روایاتی در مورد امامان معصوم (علیهم السلام)، به کتاب *کفایة الاثر* استناد کرده، می‌نویسد: «فکفاک کتاب الکفایة فی النصوص عن الخزاز القمی نزیل الری و ذلک أنه روی مائة و خمسا و خمسين خبرا من طرق كثيرة من جهة أصحاب النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۲۹۳) پس کفایت می‌کند تو را کتاب *کفایة فی النصوص* از خزاز قمی که ۱۵۵ روایت از طرق بسیار از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در شأن امامان معصوم (علیهم السلام) نقل کرده است.

علامه طبرسی در کتاب *مشکات الانوار* (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۲) و ابن طاووس در کتاب *فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی* (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۵) به احادیث این کتاب استناد کرده‌اند. علامه مجلسی نیز تمام روایات کتاب *کفایة الاثر* را در ابواب مختلف *بحار الانوار* خود نقل کرده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۷۸ و ۳۰۳؛ ج ۴، ص ۵۴ و ...) و در رابطه با آن نوشته است: «و کتاب الکفایة کتاب شریف لم یؤلف مثله فی الامامة و هذا الكتاب و مؤلفه مذکوران فی إجازة العلامة و غيرها و تألیفه أدل دلیل علی فضله و ثقته و دیانتته و وثقه العلامة فی الخلاصة قال کان ثقة من أصحابنا

فقیها وجها و قال ابن شهر آشوب فی المعالم علی بن محمد بن علی الخزاز الرازی و یقال له القمی و له کتب فی الکلام و فی الفقه من کتبه الکفایة فی النصوص» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۹). ترجمه کلام علامه مجلسی بدین شرح است: و همچنین می توان از کتاب کفایة الاثر نام برد؛ کتاب شریفی که مانند آن در موضوع امامت تألیف نشده است و نام این کتاب و مؤلف آن، در اجازه علامه حلی و غیر آن ذکر شده اند و این تألیف دلالت می کند بر فضل و وثاقت و دینداری او و علامه نیز در الخلاصه می گوید که او از ثقات اصحاب ما و از فقیهان سرشناس است و ابن شهر آشوب نیز در معالم العلماء می نویسد که علی بن محمد بن علی الخزاز الرازی که به او الخزاز القمی نیز گفته می شود و برای او کتاب هایی در کلام و در فقه است که از جمله کتاب های او، کفایة فی النصوص است.

مطالعه اولیه این کتاب نشان می دهد که تعداد ۱۲۵ حدیث از ۲۸ راوی با موضوع اثبات ولایت و وصایت اهل بیت (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) در این کتاب جمع آوری شده است. ترتیب چیدمانی احادیث این کتاب به گونه ای است که ابتدا احادیث منقول از صحابه درج شده و سپس احادیث اهل بیت (ع) آمده است تا تلویحاً به این نکته اشاره شود که مسئله ولایت اهل بیت دارای سند و اعتبار گسترده ای بوده و اصحاب مختلفی مانند ابن عباس (۵ روایت)، ابن مسعود (۵ روایت)، ابوسعید خدری (۱۰ روایت)، جابر بن سمره (۴ روایت)، انس بن مالک (۹ روایت)، ابوهریره (۷ روایت)، عمر بن خطاب (۲ روایت)، عثمان بن عفان (۱ روایت)، زید بن ثابت (۵ روایت)، زید بن ارقم (۴ روایت) و... در این زمینه احادیث متعددی را مستقیماً از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند.

گفتنی است که در بعضی از ابواب کتاب، یک روایت با چند سند از اصحاب مختلف نقل شده که در شمارش این موارد، به یک سند اکتفا شده است. در ادامه به تحلیل مضمون احادیث این کتاب پرداخته شده است.

۳. معرفی روش تحلیل مضمون

روش تحلیل مضمون، یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی است. با استفاده

از این روش می‌توان به خوبی اطلاعات موجود در داده‌های کیفی را شناسایی نموده و آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و در نهایت با ترسیم الگوهای متعدد، مهم‌ترین نکات مطرح در داده‌های کیفی را به صورت کمی تصویرسازی کرد. تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین از جمله فنون و تکنیک‌هایی هستند که معمولاً در روش تحلیل مضمون به کار می‌روند. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد.

از خصوصیات دیگر این روش، کارکرد ویژه این روش برای کم کردن حجم انبوه اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌ها در یک یا چند مضمون اصلی و کلیدی است. در عین حال باید گفت که مهم‌ترین کارکرد این روش، داشتن الگویی برای رسیدن به مضمون اصلی متن یا به عبارت رایج، لب کلام است. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۱)

روش تحلیل مضمون از سه مرحله کلان برخوردار است که عبارت‌اند از: ۱. تجزیه و توصیف متن؛ ۲. تشریح و تفسیر متن؛ ۳. ترکیب و ادغام متن که با توجه به این سه مرحله، اقداماتی همچون آشنا شدن با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جست‌وجو و شناخت مضامین، ترسیم شبکه مضامین، تحلیل شبکه مضامین و تدوین گزارش صورت می‌گیرد. نقطه آغاز روش تحلیل مضمون، زمانی است که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه کرده و با آن‌ها آشنا شده و فهرست اولیه‌ای از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات مورد توجه آن‌ها را تهیه کرده باشد. (عترت دوست و دیگران، ۱۳۹۸ش، ص ۱۶۵) به همین دلیل گفته شده که روش تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که با آن، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی به وجود می‌آید و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (Braun & Clarke, 2006, p. 80)

این روش به بهتر دیده شدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص یا سازمان یا گروه و تبدیل

داده‌های کیفی به داده‌های کمی کمک می‌کند. (درخشنه و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۳)

۴. سنجش فراوانی مضامین پایه احادیث

در روش تحلیل مضمون، ابتدا به تجزیه و توصیف متن پرداخته می‌شود که این مرحله شامل سه بخش آشنا شدن با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری و جست‌وجو و شناخت مضامین است. همچنین پس از انجام این سه مرحله، به تطبیق دادن کدها با قالب مضامین و استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری‌شده، به سنجش فراوانی مضامین پرداخته می‌شود. در اینجا با توجه به حجم کم مقاله و اختصار، بخشی از جدول استخراج مضامین پایه احادیث جهت نمونه کار و آشنایی با روش مذکور آورده می‌شود:

کدگذاری	مضامین پایه	جهت‌گیری حدیث	راوی اصلی	ردیف
۱	انتخاب پیامبر و امیرالمؤمنین از میان مخلوقات توسط خداوند	معرفی جانشینان رسول‌الله	ابن عباس	۱
۲	نصب امیرالمؤمنین به امامت توسط خداوند			
۳	سفارش الهی به پیامبر نسبت به امیرالمؤمنین			
۴	برادر، وصی، خلیفه و وزیر بودن امیرالمؤمنین نسبت به پیامبر			
۵	وحدت وجود نوری و معنوی پیامبر با امیرالمؤمنین			
۶	خصوصیات خاص امیرالمؤمنین			
۷	حجت بودن پیامبر و امیرالمؤمنین از طرف خدا			
۸	تداوم نسل امامت از امام حسین (ع)			
۹	خصوصیات امام زمان (عج) و اقدامات ایشان پس از ظهور			
۱۰	وصی داشتن همه پیامبران	معرفی جانشینان رسول‌الله	ابن عباس	۲
۱۱	ذکر دقیق نام اهل بیت			
۱۲	هم‌رتبه بودن امامان با پیامبر			
۱۳	ذکر نام پیامبر و اهل بیت در کتب ادیان قبل اسلام			
۱۴	تعداد اهل بیت به تعداد نقبای بنی اسرائیل و اسباط			
۱۵	تکرار شدن اتفاقات بنی اسرائیل در امت پیامبر			

۱۶	برخی ویژگی‌های امام زمان			
۱۷	دعای پیامبر در حق دوستان و دشمنان اهل بیت			
۱۸	دعای پیامبر بر دوستان و نفرین بر دشمنان اهل بیت	معرفی جانشینان رسول الله	ابن عباس	۳
۱۹	خبر دادن پیامبر از حادثه عاشورا			
۲۰	خصوصیت قاتلان امام حسین <small>علیه السلام</small>			
۲۱	فضیلت زائر امام حسین <small>علیه السلام</small> و اثرات زیارت حضرت			
۲۲	تعداد امامان به تعداد حواریون، اسباط و نقبای بنی اسرائیل			
۲۳	ذکر نام دقیق اهل بیت و ذکر خصوصیات آن‌ها			
۲۴	اهمیت معرفت نسبت به امام معصوم			
۲۵	نتایج انکار امامان معصوم			
۲۶	پیوستگی همراهی و شناخت حق با امیرالمؤمنین			
۲۷	همسو بودن ولایت اهل بیت با نبوت پیامبر			
۲۸	خاموش نشدن نور اهل بیت توسط دشمنان			
۲۹	عصمت و مطهر بودن پیامبر و امامان	معرفی جانشینان رسول الله	ابن عباس	۴
۳۰	همراهی پیوسته حق با امیرالمؤمنین	معرفی جانشینان رسول الله	ابن عباس	۵
۳۱	خصوصیات ویژه امیرالمؤمنین			
۳۲	تداوم امامت از نسل امام حسین			
۳۳	امام زمان نهمین تن از امامان از صلب امام حسین			
۳۴	توسل به خداوند با واسطه نمودن اهل بیت			
۳۵	ویژگی اوصیای انبیا	معرفی جانشینان رسول الله	انس بن مالک	۵
۳۶	خطاب پیامبر به امیرالمؤمنین به عنوان وصی و برادر			
۳۷	اشاره به جنگ‌های امام علی بعد از پیامبر			
۳۸	اشاره به تعداد امامان			
۳۹	اهل بیت عترت پیامبر و گوشت و خون اویند			

جدول فوق، تحلیل و بررسی چند روایتی است که صحابه پیامبر علیه السلام از ایشان در

مورد ولایت و وصایت اهل بیت نقل کرده‌اند که مضامین اصلی و مضامین پایه هر کدام از روایات، کشف و استخراج شده است. در مجموع تعداد ۵۷۵ مضمون پایه از احادیث کدگذاری شدند.

۵. دسته‌بندی مضامین پایه برای استخراج مضامین سازمان‌دهنده

در گام دوم، مجموع مضامین پایه را می‌بایست پس از بازبینی و بازخوانی مکرر در گروه‌های مشخصی دسته‌بندی نمود تا به مضامین سازمان‌دهنده دست پیدا کرد. در این تحقیق ۵۷۵ مضمون پایه در شش دسته کلی تفکیک شدند که به آن‌ها مضامین سازمان‌دهنده گفته می‌شود. در جدول ذیل سنجش فراوانی هریک از مضامین سازمان‌دهنده درج شده است:

سنجش فراوانی کل	سنجش فراوانی مضامین پایه	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
۵۱	۱۵	مقام و جایگاه پیامبر در دنیا و آخرت	تیین جایگاه پیامبر اسلام ﷺ
	۱۴	پیشگویی پیامبر از حوادث بعد از وفات خود	
	۲۲	مواعظ و سفارش‌ها	
۸۱	۱۲	سفارش‌های خدا و پیامبر بر امامت و وصایت امیرالمؤمنین	تیین جایگاه امیرالمؤمنین (ع)
	۱۲	تعابیری که پیامبر در مورد امیرالمؤمنین به کار بردند	
	۷	امامت امیرالمؤمنین	
	۲۸	فضائل و مقام امیرالمؤمنین	
	۵	همراهی ایشان با حق	
	۳	خلقت نوری ایشان با پیامبر	
	۵	جنگ‌های امیرالمؤمنین	
۱۲	۹	جایگاه و عاقبت دوستداران و دشمنان امیرالمؤمنین	تیین جایگاه حضرت زهرا (س)
	۷	جایگاه و خصوصیات حضرت زهرا در دنیا و آخرت	
	۲	نتیجه آزار رساندن به حضرت زهرا	
۸۴	۳	انس شدید حضرت زهرا به پیامبر	تیین جایگاه
	۵۵	تداوم امامت از نسل امام حسین	

	۸	امامت امام حسن و امام حسین	امام حسن و امام حسین <small>علیهما السلام</small>
	۹	جایگاه امام حسن و امام حسین نزد پیامبر	
	۱۲	فضائل و خصوصیات امام حسن و امام حسین	
۹۷	۴۰	امام زمان از نسل پیامبر و امام حسین است	تیین جایگاه امام زمان <small>علیه السلام</small>
	۱۸	خصوصیات و ویژگی های امام زمان	
	۲۸	مسائل مربوط به ظهور امام زمان	
	۹	مسائل مربوط به غیبت امام زمان	
	۲	سفارش و لزوم تبعیت از امام زمان	
۲۶۶	۳۴	نام دقیق اهل بیت توسط خدا، پیامبر، جبرئیل	تیین جایگاه اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
	۵۸	تعداد اهل بیت و امامان بعد پیامبر	
	۵	امامان از قریش هستند	
	۱۳۸	جایگاه و خصوصیات و لزوم تبعیت از قرآن و اهل بیت	
	۳۱	صفات و جایگاه شیعیان و دوستان اهل بیت و صفات و جایگاه دشمنان ایشان	

جدول فوق بیانگر آن است که بیشترین مضامین مطرح در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سنجش فراوانی ۲۶۶ مضمون در مورد اهل بیت علیهم السلام بوده است که نشان دهنده کاربست بالای این اصطلاح و این موضوع در کلام آن حضرت است. پس از آن، مضامین مربوط به امام زمان علیه السلام با فراوانی ۹۶ مضمون، مضامین مربوط به امام حسن و امام حسین علیهما السلام با فراوانی ۸۴ مضمون، مضامین مربوط به امیرالمؤمنین علیه السلام با فراوانی ۸۱ مضمون و در پایان مضامین مربوط به پیامبر و حضرت زهرا علیها السلام نیز به ترتیب با فراوانی ۵۱ و ۱۲ مضمون است. این آمار به وضوح بیانگر آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دفعات و در موارد متعدد تلاش داشته‌اند تا در مورد شخصیت و ریشه نسبی امام زمان علیه السلام، اوضاع و شرایط غیبت و اتفاقات و حوادث زمان ظهور، جایگاه و مقام امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و تداوم نسل امامان از امام حسین علیه السلام اشاره کرده و به ویژه فضایل و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام را جهت انتصاب از جانب خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله برای مسئله ولایت جامعه اسلامی بیان کنند.

در ادامه این تحقیق به منظور تبیین دقیق مضامین بیان شده در کلام پیامبر اکرم (ص) و نشان دادن کاربری و فواید استفاده از روش تحلیل مضمون برای فهم عمیق و ساختارمند نصوص دینی، به تحلیل کیفی و توصیفی مضامین مرتبط با مقوله ولایت و وصایت امام علی (ع) پرداخته و به صورت دقیق آنچه را در کلام رسول الله (ص) درباره امام علی (ع) بیان شده است، ساختارمند تحلیل خواهیم کرد.

۶. تحلیل کیفی و توصیفی مقوله ولایت امام علی (ع) در ساختار احادیث کتاب

تحلیل مجموعه احادیث منقول درباره امام علی (ع) با روش تحلیل مضمون بیانگر آن است که به صورت کلی دو مضمون فراگیر در تمامی این احادیث به عنوان نخ تسیح، حلقه وصل مضامین سازمان دهنده و پایه به همدیگرند. این دو مضمون فراگیر عبارتند از: «بیان ویژگی های ولی» و «تبیین جایگاه ولایت». به عبارت دیگر پیامبر اکرم (ص) در مجموعه احادیث خود تلاش داشته اند تا در گام اول مجموعه ویژگی های فردی و اجتماعی امام علی (ع) به عنوان شخص ولی و امام بعد از خود را معرفی کرده، در گام دوم به تبیین جایگاه ولایت در جامعه اسلامی و رابطه آن با دیگر ارکان و نهادهای اعتقادی و اجتماعی پرداخته، جایگاه والا و مهم این موضوع را برای همگان تشریح نمایند.

۶-۱. بیان ویژگی های ولی

پیامبر اسلام (ص) برای معرفی امام علی (ع) تعابیر متعددی را به کار برده اند که بیانگر ویژگی های خاص و منحصر به فرد ایشان به عنوان ولی و امام در جامعه اسلامی است. برای نمونه در حدیث پنجم مالک بن انس آمده است که پیامبر اکرم (ص) آن حضرت را به عنوان وصی و برادر خود در دنیا و آخرت معرفی کردند: «...أَنْتَ وَصِيٌّ وَأَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۴۶)

در حدیثی دیگر از زید بن ارقم، ایشان به صراحت امام و خلیفه بعد از پیامبر (ص) معرفی شده است: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ لِعَلِيِّ (ع) أَنْتَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي...» (همان، ص ۸۲) قابل توجه است که این عبارات در احادیث متعددی به صراحت بیان

شده است مانند حدیث دوم عمار: «لَمَّا حَضَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَلُوْفَاةٌ دَعَا بَعْلِي ﷺ فَسَارَهُ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ ﷺ أَنْتَ وَصِيِّي وَوَارِثِي قَدْ أَعْطَاكَ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي ...» (همان، ص ۱۲۴)

به منظور تأیید آنچه در احادیث کتاب *کفایة الاثر* خزاز رازی نقل شده است، به جست و جوی عبارات کلیدی این احادیث در مجامع حدیثی معتبر دیگر پرداخته و برخی مؤیدات را در این زمینه نیز ارائه می‌شود. از جمله این مؤیدات، حدیث ذیل است که شیخ طوسی در کتاب *الامالی* خود نقل نموده و به صراحت برخی ویژگی‌های امام علی ﷺ از قول پیامبر اکرم ﷺ را معرفی کرده است: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ يَا عَلِيُّ ﷺ اَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَأَنْتَ بَابُهَا وَكُنْ تُوْتِي الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَحْتَمِي وَيَبْغِضُكَ لِأَنَّكَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ لِحُمْكَ مِنْ لَحْمِي وَدُمُّكَ مِنْ دَمِي وَرُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَسَرِيرَتُكَ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتُكَ عَلَانِيَتِي وَأَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ وَشَقِيَ مَنْ عَصَاكَ وَرَبِحَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَخَسِرَ مَنْ عَادَاكَ وَفَازَ مَنْ لَزَمَكَ وَهَلَكَ مَنْ فَارَقَكَ مَثَلُكَ وَمَثَلُ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَمَثَلُكُمْ مَثَلُ النَّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۶۹)

شیخ صدوق نیز در بخشی دیگر از کتاب *امالی* خود مشابه این حدیث را با سلسله سند دیگری نقل کرده است: «سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ يَا عَلِيُّ ﷺ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ وَفَاتِي مُجِيبُكَ مُجِيبِي وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي وَوَلِيُّكَ وَوَلِيِّي.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۲۵)

ابان بن ابی عیاش نیز از سلیم بن قیس حدیثی نقل کرده که در آن به ده ویژگی خاص امام علی در باره پیامبر اکرم ﷺ اشاره شده است: «سَلِمُ بْنُ قَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا ﷺ يَقُولُ كَانَتْ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَشْرُ خِصَالٍ مَا يَسْرُنِي بِإِحْدَاهُنَّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ

الشَّمْسُ وَمَا غَرَبَتْ فَقِيلَ لَهُ بَيْنَهَا لَنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْإِخُ وَأَنْتَ الْخَلِيلُ وَأَنْتَ الْوَصِيُّ وَأَنْتَ الْوَزِيرُ وَأَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ فِي كُلِّ غَيْبَةٍ أُغِيْبُهَا وَمَنْزِلَتِكَ مِنِّي كَمَنْزِلَتِي مِنْ رَبِّي وَأَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي أُمَّتِي وَلِيكَ وَلِيْسِي وَعَدْوُكَ عَدْوِي وَأَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي...» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۳۰)

از مجموعه این روایات چنین برداشت می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ به صراحت، امیرالمؤمنین (ع) را وصی، خلیفه، وارث و برادر خود معرفی فرموده و این مطلبی است که بسیاری از صحابه آن را مستقیماً شنیده و از آن حضرت (ع) نقل کرده‌اند و مؤیدات آن به وفور در منابع حدیثی دیده می‌شود. بنابراین هیچ راهی برای انکار جایگاه و مقام ولایت امیرالمؤمنین وجود ندارد. بررسی روایات کتاب *کفایة الاثر* نیز نشان می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ به موضوع امامت و جانشینی بعد از خود و معرفی امامان و بیان تعداد و اسامی کل امامان بعد از خود، اهتمام جدی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که در اکثر روایات، به تداوم امامت از نسل امام حسین (ع) و تعداد امامان و غیبت و ظهور امام زمان (عج) اشاره فرموده‌اند.

۲-۶. تبیین جایگاه ولایت

دومین مضمون فراگیری که از تحلیل مضامین احادیث کتاب *کفایة الاثر* برداشت می‌شود، مضمون «تبیین جایگاه ولایت» است. با دقت در احادیث این کتاب می‌توان دریافت که مضمون فراگیر و اصلی که محور همه احادیث کتاب واقع شده است، مسئله امامت و ولایت است. به تعبیر دیگر محوریت این احادیث، بیان اهمیت ولایت و امامت اهل بیت (ع) است که یکی از اساسی‌ترین مسائل در دین اسلام است. بنابراین موضوع ولایت و امامت از موضوعات بسیار بااهمیت است که آیات متعددی نیز به این موضوع اشاره دارد. موضوعی که خداوند متعال، پیامبر اسلام ﷺ را مأمور به ابلاغ آن فرمود و به پیامبر امر فرمود تا آن را در حجة الوداع مطرح کند. اهمیت این مسئله زمانی روشن می‌شود که بدانیم خداوند متعال مسئله امامت را کامل‌کننده دین و

تمام کننده نعمت می داند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) و مطرح نشدن آن را موجب نقصان رسالت تمام انبیا و پیامبران دانسته است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.» (مائده: ۶۷)

اهل بیت (علیهم السلام) مسئله ولایت را یکی از ستون‌ها و پایه‌های اسلام معرفی کرده‌اند که تمام واجبات و دستورات دین، بر پایه ولایت ارزش و اهمیت دارد و به هیچ موضوعی همچون موضوع ولایت سفارش نشده است کما اینکه در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يَنَدَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدِي بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸) در نهایت آنچه را از تحلیل کیفی و توصیفی مضامین مستخرج از احادیث کتاب ذیل مضمون فراگیر تبیین جایگاه ولایت به دست آمده است، می‌توان در خصوص ولایت با موضوعات ذیل تفکیک و دسته‌بندی کرد:

۱-۲-۶. رابطه ولایت با توحید

یکی از مهم‌ترین مسائلی که از تحلیل کیفی احادیث به دست می‌آید، مسئله رابطه ولایت با توحید الهی است. از مضمون احادیث منقول از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین برداشت می‌شود که یگانگی و وحدانیت پروردگار رابطه مستقیم با ولایت اهل بیت (علیهم السلام) دارد، به این صورت که هرکسی ولایت اهل بیت را قبول نکند، نه تنها از مسیر حق منحرف شده است، بلکه در توحید او نیز ضعف و سستی و خلل ایجاد می‌شود. شرط موحد شدن انسان، پذیرش ولایت اهل بیت است؛ زیرا معرفت و شناخت حقیقی خداوند و معرفت به وحدانیت او، جز از طریق سخنان و کلمات اهل بیت برای انسان میسر نمی‌شود. پس عدم پذیرش ولایت اهل بیت، زمینه شرک را برای آدمی فراهم می‌کند.

در روایت دهم امیرالمؤمنین (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کفایة الاثر، به این نکته اشاره شده است که خداوند متعال اقوامی را که از ائمه غیر الهی اطاعت کنند، عذاب کرده و تنها اقوامی را که از فرستادگان و رسولان الهی تبعیت می‌کنند، مورد رحمت قرار می‌دهد. در ادامه این حدیث طولانی آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: ای علی،

امام و جانشین پس از من تویی، جنگ با تو، جنگ با من است و صلح با تو، صلح با من است و تو پدر دو نوه من و همسر دختر منی؛ تنها ذریه و فرزندان تو هستند که برخی از آنها امامانی مطهر و معصوم‌اند؛ پس من سرور انبیایم و تو سرور اوصیای و من و تو از یک شجره هستیم و اگر ما نبودیم، بهشت و دوزخ آفریده نمی‌شد و پیامبران و فرشتگان آفریده نمی‌شدند. امام (ع) گوید: عرض کردم: ای رسول خدا پس ما از فرشتگان برتریم! ای علی، ما بهتر از هر آنچه خداوند بر پهنای هستی خلق کرده و برتر از فرشتگان مقرب هستیم و چگونه برتر از آنان نباشیم درحالی که در شناخت خدا و توحید او بر ایشان سبقت گرفته‌ایم؛ پس آنان به واسطه ما، خدا را شناختند و به واسطه ما، او را پرستش کردند و به واسطه ما، به سوی راه شناخت خداوند هدایت یافتند: «فَبِنَا عَرَفُوا اللَّهَ وَبِنَا عَبَدُوا اللَّهَ وَبِنَا اهْتَدَوْا السَّبِيلَ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۵۸)

در حدیث معروف سلسله الذهب نیز حضرت رضا (ع) به نقل از پدران بزرگوارشان از رسول خدا (ص) و از قول جبرئیل امین فرمودند که خداوند متعال می‌فرماید کلمه «لا إله الا الله» حصار و قلعه من است، پس هرکس به قلعه من داخل گردد از عذاب من ایمن خواهد بود. البته آن حضرت در توضیح این حدیث قدسی اضافه کردند که این امر شروطی دارد و من خود از جمله شروط آن هستم: «بَشْرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۵)

شیخ صدوق در کتاب التوحید خود، ضمن نقل مجدد این حدیث که ابتدا در کتاب عیون اخبار الرضا آورده بود، چنین توضیح می‌دهد که از شروط اقرار به کلمه «لا إله الا الله» اقرار به امامت آن حضرت است که از جانب خداوند عزوجل معین شده و طاعتش بر همگان فرض و واجب است. (همو، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۳۵) البته احادیث دیگری نیز با همین مضمون از اهل بیت نقل شده است که شرط ورود به بهشت را، علاوه بر اقرار به وحدانیت خداوند، اقرار و شهادت دادن به ولایت امیرالمؤمنین (ع) و اهل بیت (ع) بیان کرده است که این مطلب، رابطه مستقیم بین توحید و ولایت اهل

بیت علیه السلام را می‌رساند. برای نمونه امام صادق علیه السلام از پدرش از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرد که جابر بن عبدالله گفت: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم. من در یک طرف پیامبر نشسته بودم و امیر مؤمنان علی علیه السلام در طرف دیگر پیامبر نشسته بود. در این هنگام، عمر بن خطاب به همراه مردی که با او دست به گریبان شده بود، آمد. حضرت پرسیدند: آن مرد را چه شده است؟ عمر گفت: ای رسول خدا، این مرد از شما نقل کرد که شما گفته‌اید هر کس بگوید «خدایی جز او نیست و محمد فرستاده اوست»، وارد بهشت می‌شود. مردم اگر این سخن را بشنوند، در اعمال کوتاهی خواهند کرد. ای رسول خدا، آیا تو این گونه گفته‌ای؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، اگر به محبت این [علی علیه السلام] و ولایتش چنگ بزنند: «نَعَمْ إِذَا تَمَسَّكَ بِمَحَبَّةِ هَذَا وَوَلَايَتِهِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸۲)

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که عدم پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام، زمینه شرک را در وجود انسان ایجاد می‌کند زیرا اهل بیت علیهم السلام از جانب حق تعالی تعیین و منصوب شده‌اند و پذیرش ولایت اهل بیت، همان پذیرش ولایت خداوند است و اگر کسی ولایت اهل بیت را قبول نکند و ولایت افراد دیگری را بپذیرد، در امر ولایت الهی شرک ورزیده، به این معنا که در کنار حجت الهی، کس دیگری را در مقام ولایت الهی شریک کرده است. در تفسیر قمی آمده است که ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام درباره آیه «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (کهف: ۱۱۰) فرمود: «لَا يَتَّخِذُ مَعَ وَوَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْرَهُمْ وَوَلَايَتُهُمُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فَمَنْ أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ فَقَدْ أَشْرَكَ بِوَلَايَتِنَا وَكَفَرَ بِهَا وَجَحَدَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام حَقَّهُ وَوَلَايَتَهُ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۷) همچنین از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که گفت امام باقر علیه السلام درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» (نساء: ۱۱۶) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَطَاعَتِهِ» (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰۶)

۲-۲-۶. رابطه ولایت با نبوت

مطلب مهم دیگری که از تحلیل کیفی و توصیفی احادیث به دست می‌آید، مسئله رابطه ولایت اهل بیت علیهم السلام با نبوت خاتم الانبیاء است که در این مسئله نیز، رابطه مستقیم بین ولایت و نبوت برقرار است به گونه‌ای که اگر کسی می‌خواهد پیرو حقیقی پیامبر اسلام باشد، باید بعد از ایشان ولایت اهل بیت علیهم السلام را بپذیرد. در روایات متعددی در کتاب

کفایة الاثر به این مسئله اشاره شده که پیامبر اسلام، امامان بعد از خود را معرفی فرمودند و مسیر حقیقی و صحیح اسلام بعد از خود را پیروی از اهل بیت (ع) دانسته‌اند. از آنجا که خداوند پیامبر اسلام را برای هدایت انسان‌ها فرستاد و پیامبر (ص) مأموریت داشت تا دستورات و هدایت و راهنمایی‌های خداوند را به مردم برساند، طبق دستور خداوند، پیامبر عظیم‌الشأن، مسیر اسلام بعد از وفات خود را نیز به مردم ابلاغ کرد که آن پیروی از ولایت امیرالمؤمنین و پذیرش ولایت ایشان بود. پس مسلمان حقیقی که مورد قبول خداوند و پیامبر اسلام است، آن مسلمانی است که بعد از وفات پیامبر (ص) به پیروی از کلام و سفارش پیامبر، از امیرالمؤمنین تبعیت و پیروی کند و اگر کسانی ولایت فرد یا افراد دیگری را بعد از پیامبر بپذیرند و آن‌ها را جانشین پیامبر بدانند و از آن‌ها تبعیت و پیروی کنند، قطعاً سفارش و دستور پیامبر (ص) را زیر پا گذاشته و از مسیر حقیقی اسلام منحرف شده‌اند.

برای مثال در احتجاجی که بین امیرالمؤمنین (ع) و ابن کواء رخ داد، آن حضرت انسانی را که به نبوت پیامبر اسلام اقرار کرده ولی ولایت ایشان را بعد از پیامبر نپذیرفته است، شخصی کوردل و بی‌بصیرت معرفی می‌کند. از اصبع بن نباته نقل است که گفت ابن کواء از امیرالمؤمنین (ع) پرسید: آن کیست که شب و روز می‌بیند و آن چیست که شب و روز نمی‌بیند؟ و آن که شب می‌بیند و روز نمی‌بیند و آن که روز نمی‌بیند و شب می‌بیند؟

حضرت فرمود: وای بر تو! چیزی بپرس که تو را نفعی رساند و سؤال بیجا مپرس. وای بر تو! اما آن که شب و روز می‌بیند، فردی است که به تمام رسولان و اوصیای گذشته و تمام کتب و انبیا ایمان آورده و به خداوند و نبی او محمد (ص) نیز مؤمن است و نیز به ولایت من نیز معترف است، او بینا در شب و روز است؛ و اما آن که شبانه‌روز کور است، فردی است که منکر تمام انبیا و اوصیا و کتب گذشتگان است و با اینکه رسول خدا (ص) را درک نموده، به او ایمان نیاورده و ولایت مرا نیز قبول ندارد. پس با این کار خداوند عزوجل و پیامبرش را انکار نموده است، او کور شبانه‌روز است؛ و اما

فرد بینا به شب و کور به روز، فردی است که تمام انبیا و کتب را قبول دارد و منکر رسول خدا ﷺ بوده و ولایت و حقّ مرا قبول ندارد، پس او بینای شب و کور به روز است؛ و اما فرد کور شب و بینای روز، فردی است که منکر انبیای گذشته و اوصیا و کتب است و محمد ﷺ را درک و به او و خداوند ایمان آورده و امامت مرا پذیرفته، پس او کور به شب و بینای به روز است. وای بر تو ای ابن کواء! ما فرزندان ابی طالب هستیم، خداوند اسلام را توسط ما آغاز کرده و به ما ختم می نماید. اصبغ بن نباته گوید: وقتی آن حضرت از منبر پایین آمد، به دنبال او رفتم و عرض کردم: سرور من، ای امیرالمؤمنین، با این سخنان دلم را قوی و توانا فرمودی! امیرالمؤمنین علی (ع) به من فرمود: ای اصبغ، هرکه در ولایت من شک کند، در ایمان خود به تردید افتاده و آن که معترف به ولایت من باشد، در اصل به ولایت خداوند اعتراف نموده است و ولایت من متصل به ولایت خداوند همچون این دو انگشت - و آن دو انگشت را جمع فرمود - است؛ هرکه به ولایت من اعتراف نماید، پیروز و کامیاب است و منکر آن ناکام و زیان دیده و مایل به آتش است و هرکه به آتش رود، سال‌های سال در آن بماند: «مَنْ أَقْرَبُ بَوْلَائِي فَقَدْ فَازَ وَمَنْ أَنْكَرَ وَكَلَّيْتِي فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ وَهُوَ فِي النَّارِ وَمَنْ دَخَلَ النَّارَ لَبِثَ فِيهَا أَحْقَابًا» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۹)

۳-۲-۶. رابطه ولایت با تقوای الهی

سومین نکته مهم و قابل برداشت از تحلیل کیفی و توصیفی احادیث ذیل مضمون فراگیر تبیین جایگاه ولایت، توجه دادن احادیث به رابطه ولایت با تقوای الهی است. انسان در طول عمر خود، اعمال و رفتارهای مختلفی را انجام می دهد که بعضی مستحق ثواب و بعضی مستحق عذاب است، اما به فرموده قرآن کریم، اعمال نیک و شایسته فقط از انسان‌های باتقوا پذیرفته می شود: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲۷) این آیه با حرف «إِنَّمَا» بیان شده که نشانه حصر است و این گونه معنا می شود که فقط و فقط خداوند از انسان‌های باتقوا، اعمال آن‌ها را قبول می کند. بنابراین اگر کسی می خواهد جزو انسان‌های باتقوا قرار بگیرد، باید صفاتی که قرآن کریم در مورد انسان‌های باتقوا بیان فرموده، در وجودش ایجاد کند.

آنچه از مضمون احادیث منقول درباره اهل بیت (ع) برداشت می‌شود این است که امیرالمؤمنین (ع) مصداق اتم و اکمل انسان‌های باتقوا هستند؛ زیرا در روایات متعددی از کتب شیعه و سنی، امیرالمؤمنین به‌عنوان امام المتقین و اتقی الناس معرفی شده‌اند. پس کسی نمی‌تواند ادعا کند که انسانی باتقواست ولی ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین (ع) را قبول نکند و از امام المتقین و باتقواترین مردم تبعیت و پیروی نکند. همچنین اهل بیت (ع) ذیل آیه‌ای در قرآن کریم، منظور از کلمة التقوی را ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین (ع) معرفی کرده‌اند: «نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۳۲) علامه مجلسی در توضیح این روایت می‌گوید که عبارت «نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى» یعنی ولایت اهل بیت کلمه‌ای است که به‌واسطه آن از آتش در امان می‌مانید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۲۴۴) و اشاره دارد به قول خداوند متعال «وَأَلِّزْمُهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى» (فتح: ۲۶) در بسیاری از احادیث نیز کلمة التقوا تفسیر به ولایت امیرالمؤمنین (ع) یا همه امامان شده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۳۵) چراکه ولایت آن‌ها و اقرار به امامت ایشان کلمه تقواست.

۴-۲-۶. رابطه ولایت با تسلیم حق بودن

چهارمین نکته قابل برداشت از تحلیل کیفی احادیث مرتبط با اهل بیت (ع)، مسئله رابطه ولایت با تسلیم حق بودن است. دین اسلام و تعبیر مسلمان به این معناست که انسان خود را تسلیم حضرت حق بداند و دستورات صادرشده از طرف خداوند و پیامبر اسلام را بدون هیچ چون و چرا و توجیهی قبول کند و برای انجام آن‌ها تلاش نماید. مسئله ولایت نیز از جمله مواردی است که از سوی خدا و پیامبر (ص) به انسان‌ها ابلاغ شده و لازم است هر انسانی در مواجهه با این دستور، سر تسلیم فرود آورد و ولایت ائمه معصومین را قبول کند؛ زیرا عدم پذیرش آن موجب می‌شود که انسان در برابر خواسته و دستور خدا و رسول او، ایستادگی و مقاومت کند و زمینه‌های انحراف و کجروی را برای خود مهیا سازد. چنان‌که ابلیس در برابر دستور خداوند مبنی بر سجده کردن بر آدم، سر تسلیم فرود نیاورد و بر اثر مخالفت با این دستور، از درگاه الهی رانده و مورد لعن واقع شد.

از مهم‌ترین مسائلی که انسان‌ها به‌خصوص مسلمانان باید در برابر آن تسلیم شوند، مسئله پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام است که اسلام حقیقی نیز پذیرش و پیروی از دستورات ایشان و طی کردن مسیری است که این ذوات نورانی برای انسان‌ها و مسلمانان معرفی و مطرح فرموده‌اند. امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) می‌فرمایند که منظور از اسلام، تسلیم شدن نسبت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۹۵) در این زمینه حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام نقل شده که بیانگر ارتباط مستقیم پذیرش ولایت با تسلیم حق بودن است: «... وَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبُولِهِمْ وَلَاءَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ كَمَثَلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سُجُودِهِمْ لِأَدَمَ وَ مَثَلُ مَنْ أَبِي وَكَلِيَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ مَثَلُ إِبْلِيسَ ...» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۶۵)

۵-۲-۶. رابطه ولایت با ایمان

نکته پنجم در تحلیل کیفی و توصیفی احادیث، توجه پیدا کردن به رابطه ولایت با ایمان به خداوند متعال است که مسئله‌ای متفاوت از رابطه ولایت با توحید است. طبق آیات قرآن کریم، می‌توان دریافت که تفاوت‌هایی بین اسلام و ایمان وجود دارد و نسبت این دو به همدیگر، عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هرکسی با ایمان است، قطعاً مسلمان است و در دایره اسلام قرار دارد ولی هرکسی مسلمان است، لزوماً با ایمان نیست. همچنین سفارش قرآن به مسلمانان این است که ایمان بیاورند و در مرحله اسلام متوقف نشوند: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات: ۱۴) طبق این آیه، خداوند می‌فرماید که اسلام آوردن با ایمان آوردن متفاوت است و عده‌ای از مسلمانان در مرحله اسلام متوقف و در پذیرش ایمان دچار لغزش شده‌اند و به همین دلیل، اطلاق کلمه مؤمن برای آن‌ها صحیح نیست.

از تحلیل کیفی و توصیفی روایات متعدد درباره تبیین جایگاه ولایت اهل بیت چنین برداشت می‌شود که ایمان فقط با پذیرش ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید و عدم پذیرش این امر، انسان را به دایره ایمان وارد نمی‌کند. در احادیث کتاب

کفایة الاثر نیز روایاتی موجود است که به این رابطه اشاره فرموده؛ از جمله واثله بن اسقع نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا يَتِمُّ الْاِيْمَانُ اِلَّا بِمَحَبَّتِنَا اَهْلَ الْبَيْتِ وَ اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى عَهْدَ اِلٰى اَنَّهُ لَا يَجِبُنَا اَهْلَ الْبَيْتِ اِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَ لَا يَبْغِضُنَا اِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ». (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۱۰) یا در حدیث دیگری، سعد بن مالک نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «يَا عَلِيُّ ﷺ اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي تَقْضِي دِيْنِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي وَ تَقَاتِلُ بَعْدِي عَلَيَّ التَّوْبِلِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَيَّ التَّنْزِيْلِ يَا عَلِيُّ ﷺ حُبُّكَ اِيْمَانٌ وَ بُغْضُكَ نِفَاقٌ». (همان، ص ۱۳۵)

به عنوان مؤید این مطلب، در کتب حدیثی دیگر روایات متعددی نقل شده است که بر رابطه مستقیم ولایت با ایمان به خدا اشاره دارد؛ برای نمونه شیخ کلینی در کتاب شریف کافی حدیثی از امام صادق (ع) نقل کرده که درباره تفاوت اسلام و ایمان فرمودند: اسلام همان وضعیت ظاهری است که مردم مسلمان بر آن اند؛ یعنی شهادت به یگانگی خدا و پذیرش عبد و رسول بودن پیامبر خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات و حج خانه خدا و روزه ماه رمضان، اما ایمان، معرفت به امر ولایت و امامت در کنار این امور است و اگر انسانی، امر ولایت و امامت را نشناسد، مسلمان گمراهی است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۴)

۶-۲-۶. رابطه ولایت با حقیقت عبادات

ششمین نکته‌ای که از تحلیل کیفی و توصیفی مضامین مستخرج از کتاب برداشت می‌شود، توجه پیدا کردن به مسئله رابطه ولایت با حقیقت عبادت است. این مطلب از جمله نکاتی است که در اکثریت احادیث ذیل مضمون فراگیر تبیین جایگاه اهل بیت بر آن تأکید شده که بدون ولایت، عبادت انسان حقیقی نبوده و به سرانجام مقصود نمی‌رسد. خداوند متعال نیز برای پذیرش عبادات انسان، شروطی را معین فرموده که از جمله آن‌ها نیت قرب الهی، طهارت، انجام صحیح عبادات است. از جمله مهم‌ترین شرایط پذیرش عبادات نیز پذیرش ولایت اهل بیت (ع) است زیرا اعتقاد به ولایت و امامت اهل بیت (ع)، همچون روحی است که در کالبد اعمال عبادی دمیده می‌شود و به آن جان می‌دهد؛ از این رو در آیات و روایات متعدد، ولایت اهل بیت، روح و باطن

اعمال و عبادات معرفی شده است.

برای نمونه در روایات که از پیامبر اسلام ﷺ درباره اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده، به این مسئله اشاره شده است که عمل کسی که ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین را قبول نکند، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. این تعبیر در حدیث دوم ابوهریره از پیامبر در کتاب *کفایة الاثر* چنین آمده است: «... وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثُمَّ أَتَى جَا حِدًا بَوَلَايَتِهِمْ لَأَكْبَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ كَأَنَّهُ مَا كَانَ.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۸۵)

در این باره از امام باقر (علیه السلام) به عنوان یک حدیث قدسی نقل شده است که هرکس ولایت علی (علیه السلام) را قبول نداشته باشد، اعمالش مورد قبول واقع نخواهد شد: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ (علیه السلام) قَالَ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ (علیه السلام) عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ الْاَرْضِينَ السَّبْعَ وَ مَا عَلَيْهِنَّ وَ مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي مُنْذُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِينَ ثُمَّ لَقِينِي جَا حِدًا لَوَلَايَةِ عَلِيِّ (علیه السلام) لَأَكْبِيْتُهُ فِي سَقَرٍ.» (برقی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۹۰) ابوحمزه ثمالی نیز به نقل از امام سجاد (علیه السلام) می‌گوید هرکس ولایت اهل بیت را به همراه نداشته باشد، عبادتش برای او سودی نخواهد داشت: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَرَ مَا عُمَرَ نُوْحٌ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ الا خَمْسِينَ عَامًا يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ وَلايَتِنَا لَمْ يَنْفَعَهُ شَيْئًا.» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۲)

همچنین در بعضی از روایات صادره از اهل بیت (علیهم السلام)، به حقیقت باطنی اعمال عبادی همچون نماز، حج و... اشاره شده که این مسئله نیز نشانگر آن است که باطن تمام عبادات، ولایت و معرفت و شناخت نسبت به جایگاه و مقام اهل بیت (علیهم السلام) است و بدون توجه داشتن به آن، انسان بهره‌ای از آن عمل عبادی نمی‌برد؛ برای نمونه از امام صادق (علیه السلام) پیرامون آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران: ۹۷) سؤال شد که فرمودند: «هرکس که آهنگ این خانه کند و بداند که آن همان خانه‌ای است که خدا به زیارت آن فرمان داده و ما اهل بیت را آن چنان که شایسته شناخت است بشناسد، در دنیا و

آخرت ایمن خواهد بود.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۵)

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال آن بود که با استفاده از یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای و متن‌محور، به تحلیل نصوص دینی پرداخته و از این طریق، روایی و پایایی یا به عبارت دیگر اعتبار و صحت مجموعه‌ای از این نصوص را در کتابی خاص مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. از آنجا که برخی افراد در طول تاریخ به نقد و جرح کتاب *کفایة الاثر فی النص علی الائمة اثنی عشر* و تضعیف مؤلف آن خزاز رازی پرداخته و بدین طریق موجبات بی‌توجهی به این منبع حدیثی متقدم و ارزشمند را فراهم آورده بودند، در این پژوهش تلاش شد به تحلیل مضامین احادیث این کتاب پرداخته، شبکه مضامین مطرح در احادیث آن ترسیم شود.

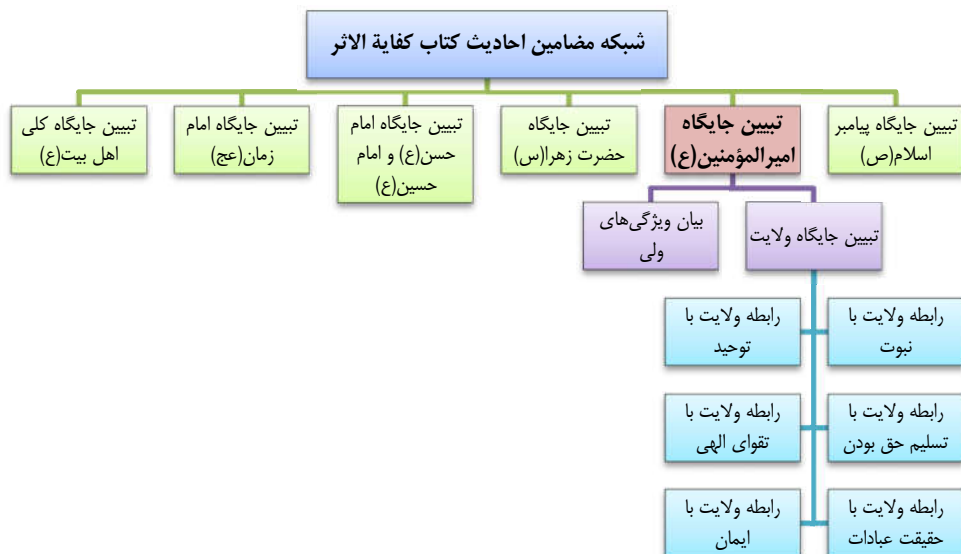
مطالعه اولیه این کتاب نشان می‌دهد که تعداد ۱۲۵ حدیث از ۲۸ روای با موضوع اثبات ولایت و وصایت اهل بیت (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) در این کتاب جمع‌آوری شده که تحلیل نظام‌مند آن‌ها با روش تحلیل مضمون تأییدکننده استخراج ۵۷۵ مضمون پایه در این خصوص بوده است. مجموعه این مضامین پایه در ۶ مضمون سازمان‌دهنده دسته‌بندی شدند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مضمون «ولایت امام علی» است. در این مقاله با رویکرد مسئله‌محور، فقط به تحلیل کیفی و توصیفی شبکه مضامین مرتبط با «ولایت امام علی» پرداخته شد.

نتایج تحلیل‌های کیفی و توصیفی نشان داد که دو مضمون فراگیر «بیان ویژگی‌های ولی» و «تبیین جایگاه ولایت»، حلقه وصل مضامین متعدد ذیل مضمون سازمان‌دهنده «ولایت امام علی» هستند. در بخش بیان ویژگی‌ها، پیامبر اکرم (ص) تلاش دارند تا مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی و اجتماعی امام علی (ع) را که باعث شایستگی و قابلیت ایشان برای پذیرش منصب امامت و رهبری جامعه اسلامی است، بیان کنند. در گام دوم نیز آن حضرت به تبیین جایگاه ولایت در جامعه اسلامی پرداخته و رابطه ولایت با مقوله‌های مهمی مثل توحید، نبوت، تقوای الهی، تسلیم حق بودن، ایمان و حقیقت عبادت را مطرح می‌کنند.

از تحلیل مجموع مضامین مرتبط با مقوله ولایت امیرالمؤمنین و جانشینی ایشان بعد از پیامبر چنین برداشت می‌شود که یکی از مهم‌ترین موضوعات و مسائل دینی و اعتقادی جامعه اسلامی که هم در آیات قرآن و روایات معصومین به صورت مکرر بیان شده، مسئله ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) و تداوم مسیر امامت و رهبری جامعه اسلامی توسط افراد برگزیده و مورد تأیید الهی است.

از جمله نکات قابل توجه در تحلیل مضمونی احادیث کتاب کفایة الاثر این است که مؤلف در چینش احادیث و ابواب کتاب، احادیث منقول از صحابه را متقدم بر احادیث منقول از اهل بیت نقل کرده است تا نشان دهد آنچه در کلام آن حضرات نقل شده، در کلام دیگر صحابه نیز به دفعات نقل شده و موضوع ولایت و وصایت اهل بیت از جمله موضوعاتی بوده است که از زبان مبارک پیامبر اکرم (ص) به طور مکرر بیان و تشریح و باعث شده افراد و اصحاب متعددی این احادیث را نقل کنند.

در پایان، شبکه مضامین مرتبط با مضمون «ولایت امام علی» با توجه به محدودیت مقاله در انتشار همه نمودار، ترسیم شده است:



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۳. ———، التوحید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ق.
۴. ———، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش.
۵. ———، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ق.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۹. حکیمی، محمدرضا، الحیة، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۰. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی عشر، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۱. درخشه و دیگران، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۳، ۱۳۹۴ش، ص ۳۷-۵۳.
۱۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف اشرف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، النبیة، قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۵. ———، الامالی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۶. ———، الرجال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۳ش.
۱۷. ———، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الاصول، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۱۸. عابدی جعفری، حسن و دیگران، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۱-۱۵۷.
۱۹. عترت دوست و دیگران، «شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (ع)»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۷، ۱۳۹۸ش، ص ۱۴۵-۱۶۵.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر التمی، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.

۱۲۶ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.

۲۵. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی، ۱۴۰۵ق.

26. Braun, V. & Clarke, V., "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, 2006, P. 80-101.